

نیلوفر حاج قاضی

یک برچسب نه چندان دلچسپ



در روانشناسی بالینی مبحث «گروه همسالان» اهمیت زیادی دارد. همین اشاره کافی است تا ته قضیه را بخوانیم؛ یاد تجربه‌هایمان بیفتیم و این که چقدر دوست داشتیم به محض پشت سر گذاشتن مقطع دبستان و ورود به مقاطع بالاتر، عضو یکی از همین گروه‌های چند نفره دوستانه شویم. اصلاً هویت‌مان انگار وابسته به گروه بود و فاصله گرفتن از تمام اصولی که تا همین چند سال گذشته، پدر و مادر با هزار زحمت برایمان الگوسازی کرده بودند.

چقدر دل‌مان می‌خواست عضو گروهی شویم و دستکی و دنبکی راه بیندازیم و اسمی برای گروه‌مان انتخاب کنیم - که خوب البته هر چه عجیب‌تر و منحصر به فردتر بود، بهتر - و منشوری وضع کنیم و هم پیمان شویم که هر کدام از اعضا از اجرای قوانین این منشور شانه خالی کند، فلان و بهمان مجازات می‌شود و خیلی موارد دیگر.

گروه‌هایی که گاه علاوه بر قوانین جاری که مولای ورزش نمی‌رفت، حتی زبان مشترکی هم برای خود داشت. یک زبان مشترک و ویژه که گاه انواع ایما و اشاره‌ها و نمادها هم چاشنی‌اش می‌شد تا بیشتر و هم‌انگیز شده و دیگران بیشتر از آن سر درنیاورند. یک زبان مشترک با کد امنیتی غیرقابل رمزگشایی که گاه دشنام‌ها و الفاظی رکیک هم ضمیمه‌اش می‌شد تا هر چه سریع‌تر ما را به دنیای بزرگسالی متصورمان برساند و انگار هر چه الفاظ رکیک‌تر و آبدارتر می‌شد، احساس می‌کردیم بزرگ‌تر شده‌ایم.

وقتی وارد حوزه جامعه‌شناسی می‌شوی، موضوع از این هم پیچیده‌تر می‌شود و مقوله‌ای به نام «برچسب» هم مکمل موضوع «گروه همسالان» می‌شود. تجربه کرده‌اید، یا در جریان تجربه دیگران بوده‌اید، هر یک از اعضای این گروه همسالان، برای خودشان لقبی دارند که به واسطه آن شناخته می‌شوند، هر چند که اکثر اوقات این القاب چندان دلچسپ نیست و گاه تا مرز آزاردهندگی پیش می‌رود.

نام‌هایی که به خاطر نداشتن تطابق صددرصدی با خصوصیات صاحب آن، بیشتر به برچسب شبیه‌اند. القابی مثل «مامانی»، «آشغال»، «خنک»، «دله‌دزد»، «چتر باز»، «ماتم»، «لاپلوی» و...

از گروه همسالان گذشته، برچسب‌زنی حتی در جامعه هم به امری عادی تبدیل شده است. حالا چه در قالب الفاظ رکیکی که در کوچک‌ترین برخوردی، وقتی خون به مغز نمی‌رسد پرده‌ای آتشین جلوی چشم‌ها شده و بی‌اختیار بر زبان جاری می‌شود و چه در موقعیت‌های کاملاً عادی، در ملاقات‌های کوتاه، حتی در قالب یک

و از آن‌ها احوالپرسی می‌کند که چگونه صبح کردید؟ همه پاسخ می‌دهند به خیر و خوبی، به شرطی که تو ما را به حال خود واگذاری... و می‌گویند: از خدا درباره ما بترس و او را سوگند می‌دهند و می‌گویند: ما به واسطه تو به ثواب و عقاب می‌رسیم. گاه از این هم فراتر می‌رود و می‌شود زبانی که جز با درشتی و ناسزاگویی باز نمی‌شود و صاحبش را به پایین‌ترین مرتبه زشتی تنزل می‌دهد تا جایی که حتی خودش هم از شنیدن القابی مشابه آنچه که بر زبان جاری کرده و به دیگری نسبت داده، ابایی ندارد.

می‌گویند امیرمؤمنان (ع) شنید که یارانش در جنگ صفین به دشمن ناسزا می‌گویند. در مذمت این عمل - حتی دشنام به دشمن باطل - در خطبه‌ای سفارش فرمود: اگر (به جای دشنام دادن) رفتار ناشایست آنان را بیان می‌کردید و حال‌شان را یادآور می‌شدید، در گفتار راست‌تر و در مقام عذرخواهی، رساتر بود. شما باید به جای دشنام به آنان می‌گفتید:

خدایا! خون ما و آنان را حفظ کن. میان ما و آنان را اصلاح فرما و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن تا کسی که نادان است، حق را بشناسد و او که با حق ستیز و دشمنی می‌کند، دست بردارد و باز ایستد.*

پی‌نوشت:

* خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه

سلام و علیک با همان اندک اطلاعاتی که عایدمان شده، برچسب‌ها می‌شوند نتیجه تمام فرضیه‌هایی که در مورد شخصیت آن فرد ارائه می‌دهیم. موضوع «برچسب زدن» توسط دیگران تا آن‌جا در علم جامعه‌شناسی اهمیت پیدا کرده که بسیاری از محققان این حوزه، ریشه بسیاری از کج‌روی‌ها و انحرافات اجتماعی را در الصاق همین برچسب‌ها - به خصوص در دوران حساس نوجوانی - به هویت شخص می‌دانند. این که یک نوجوان، به واسطه استفاده بیش از حد اطرافیانش از لقبی که چه بسا اتفاقی انتخاب شده، خود را کاملاً به این صفت تحمیلی، متصف می‌داند و در آینده همانی می‌شود که به آن ملقب می‌شده. در واقع برچسب به شدت این گرایش را دارد که محقق شود. یادمان نرود؛ وقتی برچسبی به کسی زده شد دیگر کندن آن کار دشواری است.

آیین تمام نمای وجود آدمی است و ترجمان قلب او. راحت و بی‌هیچ زحمتی، رسوا می‌کند تمام مکنونات درونی و اسرار فکر و دل را و به راحتی می‌ریزد وسط دایره...

زبان را می‌گوییم؛ سرکش است و کوچک با مسئولیتی بسیار بزرگ، چند مثقالی بیش نیست، ولی چه مشکل‌ها که از تکان خوردن همین عضو چند مثقالی به وجود نمی‌آید. همان عضو کوچکی که به فرموده امام سجاد (ع) هر روز صبح بر تمام اعضا و اندام‌های بدن وارد می‌شود